

آیا خوابگاه فقط خوابگاه است؟

راهنمای زندگی خوابگاهی در دانشگاه صنعتی شریف

مصطفی حسن پناه

www.basaamad.ir

ویراستار: محمد حسین بادامچی

خوابگاه دانشجویی چیست؟

حداقل فعلاً در دانشگاه شریف برای شهرستانی ها می که بخواهند خوابگاه فراهم است. چیزهایی هست که برای زندگی در خوابگاه بهتر است بدانید. اساساً با خانه ای که در آن زندگی می کرده اید متفاوت است. این شما و هم اتاقی هایتان هستید که این تفاوتها را به نقطه ی منفی یا مثبت (یا حداقل نامنفی!) تبدیل می کنید. شاید هم به نقطه ی صفر تبدیل کنید!

خوابگاه امکانات متعددی دارد: سایت، اتاق تلویزیون، کتاب خانه، سی دی کلوپ، امکانات ورزشی، نماز خانه، اتاق مطالعه، آرایشگاه، بوفه، لباس شویی! و... این ها همه برای شما ست تا بهتر در خوابگاه زندگی کنید. خوابگاه فرصتی استثنایی است تا از شر سریال های در پیت تلویزیون، که جبر خانه شما را مجبور به تماشای آنها می کرد، خلاص شوید. قدر این فرصت را بدانید، چون به یکباره اوقات فراغت شما را π برابر می کند. اکنون با پدیده ای به اسم مدیریت زمان مواجه می شوید و زمانی که بعضی ها را بیشتر از پایه ی میز های کامپیوتر در سایت دیدید، به معنای عمیق مدیریت زمان بیشتر پی می برید!

شما برای زندگی خوابگاهی محتاج یک سری لوازم هستید. لوازم شخصی و لیوان و بشقاب و حوله و مسواک که از خانه آورده اید ان شاء الله! در مورد ما بقی هم (همان قوری و کتری و فلاسک و قابلمه و ماهی تابه و جاذرفی و تشت حمام مثلاً!)، یا هر کدام را یکی از هم اتاقی ها بخرد و بعد از زندگی خوابگاهی هم صاحبش باشد(البته بماند که معمولاً از اینگونه وسایل چیزی باقی نمی ماند که به صاحبش برسد!) یا به همراه چیز های مصرفی مانند اسکاچ و مایع ظرف شویی و جارو، آن ها را هم اشتراکی بخرید. این هم هنر شماست که چقدر ظریف اندیش باشید، که حتی آوردن جزء کوچکی مثل ناخن گیر را فراموش نکنید.

هم اتاقی

هم اتاقی موجودی است که با شما در یک اتاق زندگی می کند. معنی آن این است که شخصی که با شما در یک اتاق زندگی نمی کند هم اتاقی شما نیست! معنای این حرف را خوب بفهمید، برایتان خوب است!

لزوماً بهترین دوست شما هم اتاقی خوبی برای شما نخواهد بود، چیزی که باید بدانید این است که هم اتاقی های شما باید یک حداقلی از مشخصه های یک هم اتاقی خوب را داشته باشند. مسئولیت پذیری و درک متقابل از مشخصه های مهم یک هم اتاقی خوب است. نکته ی مهم تر این است که "با همگنان خود هم عنان باشید!"

کارهای اتاق طبیعتاً بین هم اتاقی ها تقسیم می شود، این را جدی بگیرید، اتاق با مرام و معرفت نمی چرخد بهتر است قوانین درست و حسابی تدوین کنید که مورد اتفاق همه تان باشد در این صورت اتاق موفق و پایداری خواهید داشت. بهتر است جا به جا از ضرب المثل معروف "حساب حسابا، کاکا برادر" استفاده کنید تا بتوانید فشار کمر شکن زندگی را بین کمر های تان تقسیم کنید.

صبر و تحمل؛ دنیا محل گذر است و خوابگاه هم!

وسواس نداشته باشید. تا ابد که بنا نیست در خوابگاه بمانید. به زمین و زمان گیر ندهید. شاید از فرم دماغ نگهبان خوابگاه گرفته تا رنگ دستگیره ی در، استحقاق فحش های شما را داشته باشند اما فراموش نکنید که دنیا محل گذر است. حالا اگر ماشین ظرف شویی و تلویزیون ۲۸ اینچ در خوابگاه نداشته باشید به هیچ جای دنیا بر نمی خورد! یا اگر تخم مرغی روی موکت افتاد و شکست، مقصر آن را لازم نیست دار بزنید، کافی است در تمیز کردن محل صبر لازم را به خرج دهید. اگر به خودتان اجازه دهید که هی گیر بدهید بعد از یک مدت تبدیل به گیری در گلوی خودتان و دیگران می شوید.

چندان موقت هم نیست. هست؟

دنیا البته محل گذر است اما حتی الامکان یک گذر خوشایند. بد نیست اگر دستتان می رسد به همراه هم اتاقی ها پولی بر سر پولی گذارده یخچال کوچکی تهیه کنید و کلی بهره اش را ببرید! [البته الآن که این مطالب منتشر می شود بیشتر اتاق ها یخچال دارند] یا یک رو اندازی، فرشی روی موکت اتاق تان بیندازید که وقتی آنجا نشستید اید، دراز کشیده اید یا نماز می خوانید، احساس نکنید موکت کف خوابگاه با شما جنگ دارد! یا اگر قصد دارید بعد از دوران خوابگاه منزلی داشته باشید و در آن زندگی کنید بهتر است برخی وسایل آن را اگر می توانید زودتر بخرید، داشتن یک تخت خوب و یک تشک ضخیم خوب واقعاً عالی است! تجربه کنید!

خوابگاه زده نشوید!

خوابگاه یک چار دیواری معمولی نیست؛ فی المثل در و دیوار آن می توانند شما را بخورند اگر خوردنی باشید! این یعنی این که شما نباید اجازه دهید که محیط خوابگاه روی شما اثرات منفی بگذارد.

خوابگاه های چند طبقه معمولاً پنجره ها و ایوان ها بی دارند که جان می دهد برای این که آزاد و رها از آن بالا بپرید و چند ثانیه ای بی وزنی را تجربه کنید، البته قبل از آن در مورد اینکه دوست دارید به جهنم بروید یا بهشت، تصمیم تان را بگیرید! اما کاربرد های قشنگ تری هم دارد، این که ماه را تماشا کنید یا در زیر نور یک لامپ ۱۰۰ وات کتاب ها بی را که دوست دارید بخوانید و یا آنجا کمی اختلاط کنید با دوستان قدیم و ندیم!

بسیاری از اوقات خوابگاه دشمن وقت شماست؛ اتاق دوستان شب نشینی می روید، گرم صحبت هستید کاملاً تصادفی به ساعت خود نگاه می کنید در حینی که چشمان تان روی عقربه ها بی که ساعت ۱/۵ بامداد را نشان می دهد، میخکوب شده، به کلاس نقشه کشی ۷/۵ صبح فردا و تمرینهای مخوف آن می اندیشید، تازه مسواک هم نزده اید و روی تخت تان هم پر از خرت و پرت است. خسته و نا امید در تاریکی اتاق می خوابید! بله، هم اتاقی ها هم قبلاً خوابیده اند. صبحی طلایی خواهد بود نه؟ البته این که الان گفتیم فاجعه نیست، اما این که به آن عادت کنید برای تان خطر ناک است!

از هر چه بگذریم سخن درس خوش تر است!

دانشجو = دانش + جو و این یعنی اصلی ترین وظیفه ی شما! خوابگاهی و غیر خوابگاهی هم ندارد اما درس خواندن در خوابگاه لطائف و ظرایفی دارد که هم بگو، هم بیس! درس خواندن در خوابگاه یک سری مشکلات دارد. شما اگر عادت داشتید درس را آرام با خود زمزمه کنید تا خوب یاد بگیرید، خیلی راحت (!) باید عادت خود را کنار بگذارید! چون بقیه هم باید بتوانند درس بخوانند. این در صورتی است که در اتاق تان درس بخوانید که معمولاً درس خواندن موفق در اتاق به دنیایی از عوامل بستگی دارد!

در خوابگاه دو جای استراتژیک برای درس خواندن وجود دارد: یکی نماز خانه، دیگری پیست خرخون ها(یا اتاق مطالعه)، وقتی یک بالش با خود به نماز خانه ببرید می توانید راحت روی زمین دراز بکشید و درس بخوانید. پیست هم که از اسمش معلوم و مشخص است(!) آن هم جایی است برای خودش.

اینکه شما خوابگاهی باشید شما را مجبور نمی کند که فقط در خوابگاه درس بخوانید. این امکان را دارید که تا ساعت ۸ شب در کتاب خانه ی مرکزی با خیال راحت درس بخوانید و بعد به خوابگاه بیایید در این صورت اتاق شما هم خلوت تر بوده است و هم اتاقی های شما هم بهتر درس خوانده اند. می توانید این سیستم را بین خودتان و هم اتاقی های تان گردشی کنید.

از دست دادن کلاس های صبح مثل آب خوردن است. شاید از معدود کار ها یی در دنیا ست که خیلی نیاز به اراده و انرژی خاصی ندارد! به خیال خودتان بیدار می مانید تا درس بخوانید اما درس چندانی نمی خوانید و چیز چندانی عاید تان نمی شود. صبح وقتی که از خواب عمیق می خواهید بیدار شوید ملغمه ای از غم، عذاب وجدان، خواب آلودگی و نفرت همه ی وجود تان را فرا گرفته است. باور ندارید امتحان کنید!

دوری از خانواده و تبعات آن

این عنوانی که ما انتخاب کرده ایم شما را یاد کتاب جغرافیا می اندازد، چندان بی راه هم نیست، بحث ما جغرافیایی است. عمده ی شهر ها یی که خوابگاهی ها از آنجا می آیند آن قدر دور هست که هر آخر هفته نتوانند به شهر خود بازگردند. این نباید باعث شود حس کنید تهرانی هستید، یا لازم است تهرانی باشید! هر شخص استانداردی باید به اصالت خود علاقه داشته باشد، این یکی از مهم ترین رمز های موفقیت است. به شهرستانی بودن خود اعتماد کنید، تهرانی ها به خاطر تهرانی بودن و شما به خاطر شهرستانی بودن تان هیچ برتری پیدا نمی کنید. البته یک فرق دارید! مقدار دود انباشته شده در ریه ی آن ها بیشتر است! پس نه مغرور باشید نه زیادی متواضع!

شما در هر نقطه ای از این ممالک محروسه که زندگی کرده باشید، یک فرهنگ خانوادگی دارید. لازم نیست بحث های کتاب های اجتماعی و مدنی را دوباره این جا بیاوریم، ارزش های شما بسیار مهم هستند. اگر شما در خوابگاه برای مدتی بدون خانواده زندگی می کنید، معنای آن این نیست که بدون خانواده می توانید زندگی انسانی داشته باشید! دوری از خانواده بیش از هر چیز باید اهمیت آن را برای شما بیشتر کند. قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید! نسبت به خانواده تان احساس استقلال نکنید و بی تفاوت نباشید، شک نکنید که مسئولیت شما نسبت به دیگر اعضای خانواده تان بیشتر شده است.

دل ما خوابگاهی های عزیز البته برای خانه و شهر و خانواده تنگ می شود! این که چه باید کرد خیلی سخت نیست؛ تا آخر عمر که در تهران محبوس نیستید! وقتی فکر کنید به این که چرا تحمل دوری می کنید و چه تکلیفی بر عهده ی شماست، تحمل این دل تنگی برای تان آسان تر می شود. ارتباط تلفنی هم که همه جور اش فراهم است.

چیز دیگری که هست و باید توجه کنید این است که با آمدن به دانشگاه یک باره بزرگ نمی شوید و اصولاً ارتباط با خانواده در همه حال مفید و مهم است، هم چنین فرصتی برای یاد آوری ارزش های مشترک تان با آنهاست. بیهوده موقعیت ها یی را که می توانید در آن ها به خانواده ی خود سر بزیند به هدر ندهید چون واقعاً لزومی ندارد بیش از مدتی حدود یک ماه پیوسته در تهران بمانید!

آخرین بند، مهم ترین پند!

این که نوشتیم "پند" تنها به جهت ضرورت شعری بود(!) و گر نه ما در جای گاهی نیستیم که کسی را پند دهیم! [شکست نفسی نویسنده منو کشته(ویراستار)] آرامش از مهم ترین شرایط یک زندگی مطلوب و موفق است. مطمئن باشید که در خوابگاه می توانید تجربیات مهمی بدست بیاورید. اما به خاطر داشته باشید برای هر تجربه بیش از آن مقدار که ارزش دارد نپردازید.